



شبه‌نامه طنز
پداخند
شماره ۱۹
فروردین ۱۴۰۵



نجات سرهنگ رایان

(طرح پیشنهادی برای یک فیلم هالیوودی)

فرزانه صنیعی

سه ناو، چهار ناوچه و یک زیردریایی آمریکایی راهی تنگه هرمز شده‌اند تا سرهنگ رایان را نجات دهند. ناو سرهنگ رایان که قبلاً فیلم زمان سربازی‌اش را دیده‌ایم هنگام عبور از تنگه هرمز هدف موشک قرار گرفته و سرهنگ رایان توانسته با پریدن در آب و درآوردن ادای کوسه‌ها اعتماد آنها را جلب کند و فعلاً قاطی آنها شود. نرسیده به تنگه، ناوها با شنیدن اخبار نیروی دریایی سپاه پادشان می‌آید یک چیزی را خانه جا گذاشته‌اند و باید برگردند. ناوچه‌ها موشک می‌خورند و زیردریایی هم به خاطر اینکه یک آدم مردم‌آزار آمده درزده و آنها هم با حسن نیت دراز باز کرده‌اند، غرق می‌شود. سرهنگ رایان پیام می‌دهد که یک ماهی بزرگ او را درسته قورت داده است. نیروهای آمریکایی با تور ماهیگیری به محل اعزام می‌شوند. اما یک ماهیگیر محلی قبلاً ماهی مربوطه را شکار کرده و به بازار برده است. یک نیروی دلتافورس مامور خرید ماهی می‌شود و از روی مختصات جی‌پی‌اس آن را روی میز یک ماهی‌فروشی پیدا می‌کند. اما تا به میز برسد ماهی‌فروشی با ساطور به جان ماهی افتاده و آن را تکه‌تکه کرده است. نیروی دلتافورس می‌خواهد اقلاً قطعات بدن سرهنگ رایان را گیر بیاورد تا بعداً سر فرصت بتوانند سرهمش کنند. اما چون ماهی‌فروشی بی‌انصاف ماهی‌هایش را زیر قیمت می‌فروشد مشتری‌ها هجوم می‌آورند و تا نوبت دلتافورس شود فقط کله‌ی ماهی باقی می‌ماند. دلتافورس فوری کله ماهی را از روی میز می‌قاپد و به طرز شجاعانه‌ای پولش را هم نمی‌دهد. در آمریکا مقداری از سرهنگ رایان را به وسیله خلال دندان از لای دندان‌های ماهی با موفقیت استخراج می‌کنند و این پیروزی برگ زرینی در دفتر افتخارات ارتش آمریکا می‌شود.

هیئت دیپلماسی
تولایق سیاسی

تا وقتی ظلم و جنجه
بسته می‌مونه تنگه

آمریکای بیچاره
نبرد ادامه داره

کاریکاتونیست:
مهديه پهلوان



اول بگو به خصم که آید مذاکره
با منطق و زبان خوش و بی مشاخره
بعدهش اگر که دبه درآورد وز لگد
خرا ببند تا که نسازد مخاطره

حسین اعتمادی

سه‌روزه

مرضیه فاسمعلی

ماندی به گل مانند خر تاروی زانو
درخون مکیدن، گفته‌ای زگی به زانو
رد که نخواهی شد از این تنگی تنگه
چیزی که لازم داشتی این است؛ پارو!
وقت خزیدن توی لاک‌ات هست اینک
نه وقت جفتک یا لگد، یانکی یابو
پشتت به بی بی گرم بود و مدتی هست
داگ‌ات لمیده بازم درکنج پستو
گفتی که می‌گیری سه‌روزه خاک مارا؟!
من ساقی‌ات را زنده می‌خواهم ترامپو

نفات جنگ (قسمت ششم)

البرز بهرامی

مذاکره (Negotiation): گفتگویی که در آن طرفین تصمیم می‌گیرند که چه چیزی بدهند تا چه چیزی بگیرند و چه چیزی بگیرند تا چه چیزی بدهند. برای حفظ ظاهر طرفین، معمولاً پشت درهای بسته انجام می‌شود. در فرهنگ آمریکایی بده بستانی در کار نیست و به معنای هر چی ما می‌خواهیم و می‌گوییم است.

شعار (Slogan): جملاتی کوتاه ولی چگال از همه لحاظ که توسط مردم فریاد می‌شود. در عرصه سیاسی مقابل عمل و در عرصه نظامی امتداد آن است. معمولاً توسط دشمن تمسخر، سپس انکار و در نهایت به یک کپی بی‌ارزش تبدیل می‌شود.